



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30. No 2. Summer 2023

Received date: 2022.10.20

Acceptance date: 2023.06.26



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

DOR: 20.1001.1.15601986.1402.30.2.5.0

## Actors effecting on the Haqqani network in Afghanistan

Ehsan Kiani<sup>۱</sup>, Hosein Afrakhte<sup>۲</sup>, Mahdi Ashna<sup>۳</sup>



### Abstract

The future of Afghanistan as Iran's most important eastern neighbor is of strategic importance for the country's national security. The Haqqani network, as a powerful faction of the Taliban, which has high military and financial power and is very close to the leadership of the Taliban, has dominated on Afghanistan. This research tries with future studying to evaluate the role of domestic and foreign actors affecting on Haqqani network. In this regard, according to the knowledge of the actors, it seems that the type of their exposure with this network can be read through the theory of defensive realism. According to the opinions of the elites in this research, the Kandahar faction, China and Russia are three effective and important actors whose position change towards the Haqqani network will change the power level of this network and its role in the future of Afghanistan. Based on results in the scenariowizard software, two scenarios; "continuing power" and "weakening the position" of the Haqqani network are possible.

**Keywords:** Afghanistan, Taliban, Haqqani Network, Regional powers, Political Islam.

<sup>۱</sup> PhD of Regional Studies, Imam Hussein University, Tehran, Iran

<sup>۲</sup> PhD Student of *Public Policy-making*, Azad University of Tehran, Tehran, Iran.

<sup>۳</sup> PhD Student of International Relations, Tehran University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۲، پیاپی (۱۱۲)، تابستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

DOR: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۵۶۰۱۹۸۶,۱۴۰۲,۳۰,۲,۵,۰

نوع مقاله: پژوهشی

## بازیگران مؤثر بر شبکه حقانی در افغانستان

احسان کیانی؛ حسین افراخته؛ مهدی آشنا<sup>۳</sup>



### چکیده

آینده افغانستان به‌عنوان مهم‌ترین همسایه شرقی ایران برای امنیت ملی کشور اهمیت راهبردی دارد. شبکه حقانی به‌عنوان جناح قدرتمند طالبان که توان نظامی و مالی بالایی داشته و به رهبری طالبان نیز بسیار نزدیک است، بر بسیاری از مقدرات افغانستان سلطه یافته است. این پژوهش تلاش می‌کند با رویکردی آینده پژوهانه، نقش بازیگران داخلی و خارجی مؤثر بر شبکه حقانی را مورد ارزیابی قرار دهد. در این راستا طبق شناخت بازیگران، به نظر می‌رسد نوع مواجهه آنان با این شبکه از طریق نظریه رئالیسم تدافعی قابل خوانش باشد. بر اساس نظرات نخبگان مورد پرسش در این پژوهش، جناح قندهار، چین و روسیه سه بازیگر مؤثر و مهمی هستند که تغییر موضع آنان نسبت به شبکه حقانی، سطح قدرت این شبکه و نقش آن در آینده افغانستان را متحول می‌سازد. بر مبنای نتایج نظرات نخبگان در نرم‌افزار سناریو ویزارد، دو سناریوی «تداوم قدرت» و «تضعیف موقعیت» شبکه حقانی، ناظر به گزینه‌های انتخابی این سه بازیگر، محتمل است.

واژگان کلیدی: افغانستان، طالبان، شبکه حقانی، قدرت‌های منطقه‌ای، اسلام سیاسی.

۱ - (نویسنده مسئول)، دکترای مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه امام حسین(ع)، تهران، ایران. e1386k@gmail.com

۲ - دانشجوی دکترای علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، تهران، ایران.

۳ - دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## مقدمه و بیان مسئله

با سقوط دولت اشرف غنی و غلبه طالبان، سیاست‌های آینده افغانستان به جناح‌بندی درونی این گروه باز می‌گردد. اکنون مهم‌ترین جناح‌ها، یکی قندهار به محوریت ملا عبدالغنی برادر و دیگری حقانی به رهبری سراج‌الدین حقانی است. شناخت پیشینه و وضعیت کنونی شبکه حقانی و بازیگران مؤثر بر کنش آن، می‌تواند در درک آینده افغانستان مؤثر باشد. این مسئله به‌ویژه ناظر به تثبیت قدرت طالبان در افغانستان و فقدان مقاومت جدی در برابر این گروه از یک سو و همچنین تداوم مراودات دیپلماتیک همسایگان و از جمله روسیه و چین و حتی گفتگوهای آمریکا با این گروه از سوی دیگر، اهمیت می‌یابد. ارزیابی جریان حاکم بر افغانستان برای نظام جمهوری اسلامی و همچنین پژوهشگران و کارشناسان حوزه سیاست خارجی از ابعاد مختلف، اهمیت راهبردی و حیاتی دارد. گسترش مهاجران افغانستانی در ایران، تحرک گروه‌های تروریستی در مرزهای شرقی، مسئله حق‌آبه هیرمند و همچنین قاچاق مواد مخدر از مبدأ افغانستان از اهم مسائلی است که میان دو سرزمین وجود دارد. بنابراین در این پژوهش سعی شده موضع شبکه حقانی در ساختار کنونی حاکم بر افغانستان و بازیگران داخلی و خارجی مؤثر بر این گروه، مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند.

## اهداف و پرسش‌های پژوهش

پرسش این پژوهش این است که چه بازیگرانی داخل یا خارج از افغانستان می‌توانند بر تغییر رفتار شبکه حقانی مؤثر واقع شوند؟ این بازیگران چه نسبتی با این شبکه داشته و متناسب با مواضع آنها، چه سناریوهایی درباره نقش‌آفرینی این گروه در آینده افغانستان، متصور است؟ هدف پژوهش، دستیابی به زمینه‌های قدرت‌یابی این شبکه در افغانستان و نظرخواهی از برخی نخبگان حوزه سیاست خارجی درباره احتمالات گوناگون درباره این موضوع است که با تدقیق بیشتر با استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد، با رویکردی آینده پژوهانه، مورد بررسی قرار بگیرد.

## پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه پژوهش‌هایی که در مقالات فارسی‌زبان به موضوع شبکه حقانی پرداخته‌اند، می‌توان به سه مقاله اشاره داشت. شفیع‌ی و همکارانش در بخشی از «نقش سرویس اطلاعاتی پاکستان در طولانی شدن بحران امنیتی افغانستان» (۱۳۸۹) شبکه حقانی را یکی از عوامل بی‌ثباتی افغانستان توسط سرویس اطلاعاتی پاکستان دانسته‌اند. غیاثوند و کام‌بخش در «بررسی علل پیدایش و الگوهای رفتاری گروه

حقانی» (۱۳۹۱) این شبکه را به مثابه یک جنبش بنیادگرای دینی مورد ارزیابی قرار داده و علاوه بر مؤلفه‌های مذهبی بر قومیت‌گرایی، فقر، بی‌سوادی، ناکارآمدی و فساد در برآمدن این گروه‌ها تأکید می‌ورزد. کاظمی نیز در «شبکه حقانی ابزار مؤثر مداخله‌گران فرامنطقه‌ای در صحنه عملیاتی افغانستان» (۱۳۹۹) با روش تحلیلی - توصیفی در صدد بررسی اثرپذیری این گروه از بازیگران خارجی برآمده و عاملیت پاکستان را در این زمینه برجسته ساخته است. تمایز پژوهش حاضر آن است که اولاً با رویکردی آینده پژوهانه بازیگران مؤثر بر نقش این گروه را مورد بررسی قرار داده و از منظر روشی نیز با نرم‌افزار سناریو ویزارد به بهره‌گیری از نظرات نخبگان در این خصوص پرداخته است.

### چارچوب نظری

سیاست را هنر و مهارت «بیکار بر سر قدرت» تعریف کرده‌اند. همچنین آن را «کیفیت توزیع قدرت» یا «توزیع اقتدارآمیز ارزش‌ها و منافع» دانسته‌اند (دوورژه، ۱۳۶۹: ۱۷). رقابت بر سر قدرت در این تفسیر، رقابتی با حاصل جمع صفر است. این رویکرد به قدرت را می‌توان در چارچوب «رنالیسم ساختاری» مورد ارزیابی قرار داد. رنالیسم بر مبنای هستی‌شناختی کنشگری دولت‌ها و محوریت خودیاری در بیشینه‌سازی منافع، استوار است.

مورگنتا در تبیین رنالیسم کلاسیک، هدف غایی سیاست را حفظ و توسعه قدرت قلمداد نموده است. بازیگران نیز به دو نوع حافظ وضع موجود که قدرت بیشتری دارند یا تجدیدنظرطلب که خواستار قدرت بیشتری هستند، تقسیم می‌شوند (مورگنتا، ۱۳۷۹: ۴۵). اما والتز در تشریح «رنالیسم ساختارگرا» با نگرشی سیستمی به روابط بین‌الملل بیان داشت که با توجه به فقدان قدرت فائده مرکزی، دولت‌ها راهی جز بیشینه‌سازی قدرت ندارند (Waltz, 1979: 3). بنابراین بازیگران علاوه بر خودیاری، با اتحادها و ائتلاف‌ها در صدد تغییر موازنه به نفع خود خواهند اندیشید.

رنالیسم ساختاری به دو دسته تدافعی و تهاجمی تقسیم می‌شود. کنت والتز و استفان والت از اندیشمندان «رنالیسم تدافعی» می‌باشند. از منظر واقع‌گرایی تدافعی، دولت‌ها تنها زمانی در صدد افزایش نفوذ در خارج از مرزها بر می‌آیند که در جریان حل «معمای امنیت» با بحران روبه‌رو شده و نیازمند حفظ امنیت خود از این طریق باشند. در غیر این صورت «امنیت نسبی» در چارچوب وضع موجود را ترجیح می‌دهند. رابرت جرویس، از ایده‌پردازان واقع‌گرایی تدافعی بیان می‌دارد: «دولت‌ها می‌توانند بدون کاهش امنیت دیگران، امنیت خود را حفظ کنند و در پیش گرفتن سیاست تدافعی بر اتخاذ سیاست تهاجمی، ترجیح یابند. در این شرایط همه قدرت‌های خواهان حفظ وضع موجود می‌توانند از درجه

بالایی از امنیت برخوردار باشند» (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۶). به نظر می‌رسد با توجه به محیط خاص آنارشیک افغانستان پس از استقرار حکومت طالبان، امنیت و ثبات در این کشور به گونه‌ای رقم خورده که امنیت نسبی و کاهش تهدید نسبت به گسترش نفوذ و عمق راهبردی، ارجحیت دارد. به همین دلیل فرضیه پژوهش آن است که رفتار بازیگران از طریق رویکرد رئالیسم تدافعی قابل بررسی است.

ناظر به تطبیق این ادبیات نظری بر محیط مفهومی، گرچه واقع‌گرایی ساختاری برای تبیین رفتار دولت‌ها به کار رفته ولی می‌توان بازیگران غیر دولتی را نیز در شرایطی مشابه بررسی نمود. این بازیگران اغلب فضایی را اشغال می‌کنند که دولت‌هایی آگاهانه و عامدانه به آنها واگذار کرده‌اند و یا اینکه برخی دولت‌های شکست‌خورده و ضعیف، این فضا را از دست داده‌اند (Gentry, 2015: 7). این بازیگران دارای هویت درونی مشترک، روایت تاریخی و اهداف بلندمدت می‌باشند (Pierman, 2015: 69). از سازمان‌های مدنی مسالمت‌جو تا گروه‌های شبه‌نظامی و نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را می‌توان در زمره این دسته برشمرد.

دهه ۱۹۸۰ با اشغال افغانستان توسط شوروی، ایالات متحده، پاکستان، عربستان و ایران، با انگیزه‌های مختلف به یاری گروه‌های شبه‌نظامی در افغانستان شتافتند. بنابراین از دو منظر می‌توان ادبیات نظری واقع‌گرایی ساختاری را بر بازیگران غیر دولتی تطبیق داد.

۱. دولت‌ها در فرآیند جنگ‌های نیابتی از بازیگران غیر دولتی برای اعمال نفوذ و رفع تهدیدات، استفاده می‌کنند.

۲. بازیگران غیردولتی جانشین دولت‌های شکست‌خورده می‌شوند و از سرزمین، جمعیت و حکومت دولت پیشین بهره‌برداری می‌کنند. تعامل غیر رسمی دولت‌ها با آنان، نوعی حاکمیت نیز به آنها می‌بخشد.

در این خصوص درباره شبکه حقانی قابل ذکر است که از یک سو به دلیل پشتیبانی‌های اسلام‌آباد به‌مثابه یک نیروی نیابتی عمل می‌کند و از سوی دیگر به دلیل برتری این گروه در طالبان، جانشین دولت ورشکسته اشرف غنی شده است.

### روش تحقیق

ارزیابی وضعیت آتی یک پدیده همواره برای پژوهشگران از جذابیت خاصی برخوردار بوده است. اینکه آیا آینده تداوم گذشته می‌باشد و یا تمایزهای جدی با وضعیت کنونی دارد. آینده پژوهی یکی از رویکردهای پژوهشی است که سعی می‌کند با ارزیابی روندهای کنونی، سناریوهای محتمل آتی را



شناسایی کند. نقاط تمایز سناریوها از یکدیگر، عدم قطعیت آنهاست. این امر کمک شایانی به سیاست‌گذاری راهبردی خواهد کرد. برای پوشش دامنه‌ای از احتمالات، می‌بایست آینده‌های بدیل را شناسایی نمود. آینده‌های بدیل با رهگیری روندهای علی و معلولی، روایتی کل‌نگر از رخدادها ذکر می‌کنند. سناریو، ادراک افراد پیرامون مسئله را شکل داده و آن را با واقعیات میدانی تکمیل می‌کنند. شناسایی مسئله، آشنایی با نیروهای کلیدی، تهیه فهرست پیشران‌ها، سنجش اهمیت و قطعیت پیشران‌ها و تشریح روایت، مراحل تدوین یک سناریو است (رهبر، ۱۳۹۷: ۷۱).

یکی از تکنیک‌های آینده پژوهی، تحلیل تأثیر متقابل متغیرها بر یکدیگر است. متغیرهای اثرگذار و اثرپذیر در این روند آشکار شده و مشخص می‌گردد که کدامین موقعیت‌ها، محتمل‌تر هستند. از میان نرم‌افزارهای متداول در تکنیک تأثیر متقابل متغیرها می‌توان به میک‌مک<sup>۱</sup> و سناریو ویزارد<sup>۲</sup> اشاره داشت. تفاوت این دو در آن است که میک‌مک تأثیر متقابل پیشران‌های مؤثر بر یکدیگر را مورد سنجش قرار داده و سپس آنها را بر اساس میزان اثرگذاری به انواع مؤثر، اثرپذیر، مستقل و یا دوگانه تقسیم می‌کند. اما سناریو ویزارد فراتر از این، تأثیر حالات پیشران‌ها بر وقوع یکدیگر را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. برای مثال پرسش این است که در صورت وقوع حالت A1 از پیشران A، وضعیت حالت B2 از پیشران B چگونه خواهد بود. نکته دیگر اینکه بر خلاف میک‌مک که صرفاً اثرگذاری را در بازه مثبت صفر تا ۳ می‌سنجد، در سناریو ویزارد از منفی تا مثبت ۳ در اختیار پژوهشگران است و اثرگذاری منفی نیز لحاظ می‌گردد (زالی، ۱۳۹۰: ۳۸). در این پژوهش پس از تشریح موضوع و تبیین پیشران‌ها یا بازیگران مؤثر بر آن، وضعیت موقعیت‌های احتمالی از طریق نظرخواهی نخبگانی در فرایند نرم‌افزار سناریو ویزارد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و سناریوهای این موضوع تدوین می‌شود.

## یافته‌های پژوهش

### شبکه حقانی، از تأسیس تا استقرار دوباره طالبان

ساختار این گروه، برآمده از چارچوبی عشیره‌ای و خانوادگی از قبیله زدران از قوم پشتون در ایالت پکتیای افغانستان است (غیاثوند و کام‌بخش، ۱۳۹۱: ۳). نام شبکه حقانی از یکی از مدارس فرقه دیوبندی به نام دارالعلوم الحقانیه برآمده است. جلال‌الدین حقانی رهبر این گروه، در ۱۹۷۵ تدریس علوم دینی در مدرسه دارالعلوم الحقانیه را به کناری نهاد و فعالیت چریکی علیه حکومت چپ‌گرای محمد داود

۱- MicMac

۲- ScenarioWizard

خان را آغاز کرد که با برکناری ظاهرشاه، طی کودتایی آرام به قدرت رسیده بود. با حمله شوروی به افغانستان، رویکرد نظامی گروه حقانی تشدید شد و به جزئی از مجاهدین تبدیل شدند. محل استقرار آنان، ولایات شرقی افغانستان شامل خوست، پکتیا و پکتیکا بود که لویه پکتیا نامیده می‌شوند. پس از خروج شوروی و تشکیل دولت مجاهدین، جلال‌الدین به‌عنوان وزیر دادگستری منصوب شد (Zeidan, 2021).

در ۱۹۹۶، گروه حقانی با طالبان متحد شد و «امارت اسلامی افغانستان» تشکیل شد (CISAC, 2018). جلال‌الدین حقانی نیز به‌عنوان وزیر امور ایالتی در کابینه طالبان منصوب شد (Raghavan, 2021). با حمله آمریکا به افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر، حقانی‌ها به بخشی از نیروهای نبرد علیه آمریکا و ناتو تبدیل شدند. این شبکه در دوران اشغال افغانستان علاوه بر کمک‌های مالی خارجی، از روش‌های گوناگونی مانند گروگان‌گیری اتباع کشورهای غربی، قاچاق مواد مخدر و مواد معدنی و فلزات گرانبها از افغانستان، خرید و فروش املاک، ارز و خودرو در پاکستان به کسب منابع مالی پرداخته است (CISAC, 2018). همچنین از شراکت حقانی‌ها در شرکت‌های صنایع دفاعی پاکستان نیز به‌عنوان یکی از منابع مالی دیگر این شبکه یاد شده است (Dressler, 2012: 4). به روایت مؤسسه مطالعات جنگ، شبکه حقانی از ۲۰۰۷ با تجهیز و پشتیبانی جنگجویان خارجی اعم از پاکستانی، اندونزیایی، کشمیری، عرب، ازبک، چچنی و تُرک، توانست هژمونی گسترده‌تری در میان گروه‌های شبه‌نظامی بیابد. این جنگجویان عمدتاً از پاکستان وارد افغانستان شده و آنجا تحت حمایت‌های شبکه حقانی قرار می‌گرفتند و تحت فرماندهی القاعده، جنبش اسلامی ازبکستان و جنبش ترکستان شرقی به عملیات می‌پرداختند. شبکه حقانی نقشی انکارناپذیر در هماهنگی و حتی ادغام برخی از این گروه‌ها در یکدیگر داشته است. چنانچه بعضاً از لشکر طیبه و سپاه صحابه به‌عنوان شاخه‌های القاعده در پنجاب و ازبکستان (ص) به‌عنوان شاخه آن در کشمیر یاد می‌شود (Dressler, 2010: 14). با مرگ جلال‌الدین حقانی در ۲۰۱۴، فرزندش سراج‌الدین رهبری شبکه را بر عهده گرفت، پس از مرگ ملا عمر در ۲۰۱۵ و انتخاب ملا اختر منصور به رهبری طالبان، سراج‌الدین به‌عنوان جانشین طالبان نیز منصوب شد (Skorka, 2021). او فردی رادیکال‌تر از پدرش توصیف شده که روابط نزدیک‌تری با القاعده دارد (Sommerlad, 2021). مخالفت عبدالقیوم ذاکر، فرمانده عملیات‌های نظامی طالبان، ملا حبیب‌الله، عضو شورای کویته و طیب‌آغا رئیس دفتر سیاسی طالبان در قطر با رهبری اخترمنصور و در مقابل حمایت ایمن‌الظواهری، رهبر

القاعده، مولانا سمیع الحق، رهبر مدرسه حقانی و جلال‌الدین حقانی از اختر منصور، جناح‌بندی درون طالبان را هویدا ساخت (افراخته، ۲ آذر ۱۴۰۰).

کارشناسان اطلاعاتی آمریکا در تبیین نقش شبکه حقانی در سقوط حکومت افغانستان، به روش داعش در سقوط موصل اشاره می‌کنند. آنها معتقدند حقانی در دوران کرزی و اشرف غنی، با روش ترور و ارعاب در جنوب شرق، شرق و شمال افغانستان، نفوذ و منابع مالی ایالت‌های افغانستان را تصرف می‌کرده است (Skorka, 2021). این شبکه با جذب خوانین، علمای دینی و رهبران طوایف توانست شبکه اجتماعی عمیقی را برای اقدامات نظامی، اطلاعاتی و مبادلات مالی شکل دهد و پایگاهی قوی در جامعه سنتی افغانستان ایجاد نماید (CISAC, 2018). به این ترتیب شبکه حقانی به مرور توانست بخش‌هایی از پایگاه اجتماعی‌اش در افغانستان را متشکل کرده و نیرویی بسازد که در نبرد نهایی بتواند به‌عنوان جنگجویان خط مقدم وارد نبرد با ارتش افغانستان شود. با استقرار حکومت جدید طالبان، سراج‌الدین حقانی به‌عنوان وزیر داخله، خلیل‌الرحمن حقانی به‌عنوان وزیر امور پناهندگان، نجیب‌الله حقانی به‌عنوان وزیر ارتباطات و شیخ عبدالباقی حقانی به‌عنوان وزیر آموزش عالی منصوب شدند (Subramanian, 2021).

### بازیگران مؤثر

در راستای ارزیابی بازیگران داخلی و خارجی مؤثر بر نقش شبکه حقانی، می‌توان به این ترتیب آنها را برشمرد.

**جناح قندهار:** در جناح مقابل حقانی موسوم به جناح قندهار، شخصیت‌های قدرتمندی مانند ملا عبدالغنی برادر، به‌عنوان معاون نخست‌وزیر و محمد یعقوب فرزند ملا عمر به‌عنوان سرپرست وزارت دفاع حضور دارند. شبکه حقانی از آن رو که عمده عملیات‌های نظامی برای مقابله با نیروهای دولتی را بر عهده داشته، انتظار دارد سهم بیشتری از قدرت داشته باشد و این موجب بروز اختلاف شده است (مفتون، ۲۴ شهریور ۱۴۰۰). به نظر می‌رسد با توجه به تنش‌های گذشته این دو جناح درباره جانشینی ملا عمر، اختلاف بر سر رهبری آینده طالبان پس از ملاهبت‌الله، چالش آتی این دو جناح می‌باشد. هبت‌الله اکنون به حقانی نزدیک‌تر بوده و بارها نظرات واقع‌گرایانه‌تر جناح قندهار مبنی بر پرهیز از انزوای خارجی را رد کرده است (شفیعی، ۱۴۰۱: ۱۰۰). احتمالاً ناظر به توانمندی نظامی و ائتلاف‌های



بیرونی جناح حقانی با دیگر شبه‌نظامیان در افغانستان، اولویت کوتاه‌مدت جناح قندهار حفظ موقعیت فعلی و جلوگیری از گسترش حوزه نفوذ رقیب باشد که از طریق تعامل و معامله، پیگیری شود.

**احزاب و شخصیت‌های سیاسی:** طبق آمار وزارت عدلیه افغانستان در سال ۱۳۸۸، حداقل ۱۰۵ حزب سیاسی در این کشور به ثبت رسیده بود (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۲ تیر ۱۳۸۸). موسی شفق از کارشناسان سیاسی افغانستانی در یادداشتی بیان داشت احزاب سیاسی افغانستان عمدتاً با سه رویکرد ایدئولوژیک، قومیتی یا سیاسی ایجاد شده‌اند و انشعاباتی در هر یک از این سه دسته نیز به دلیل کیش شخصیت نخبگان سیاسی بروز یافته است (شفق، ۳۱ فروردین ۱۴۰۰). عمده این احزاب کارآیی خاصی نداشته‌اند و شخصیت‌های برجسته سیاسی مانند گلبدین حکمتیار، حامد کرزای، اشرف غنی و عبدالله عبدالله محور سیاست داخلی بودند. با فرار اشرف غنی، تنها شخصیت‌های مهم سیاسی که در افغانستان مانده‌اند حکمتیار، کرزای و عبدالله هستند که توان چندانی برای محدودسازی قدرت طالبان و بالتبع شبکه حقانی ندارند. حکمتیار علی‌رغم حمایت اولیه از طالبان، صرفاً به برخی انتقادات در خطبه‌های نماز جمعه در کابل اکتفا نموده است (وفایی، ۱۴ خرداد ۱۴۰۱). همین نکته درباره کرزی و عبدالله نیز صدق می‌کند که جز انتقادات لفظی در عرصه عمومی و مجازی، کنش دیگری نداشته‌اند. پس حفظ وضعیت موجود برای جلوگیری از تنگ‌تر شدن حلقه انحصار، می‌تواند تنها هدف ممکن از سوی مخالفان داخلی باشد. جبهه مقاومت ملی: تنها مقاومت مسلح در برابر طالبان، از جانب نیروهای وفادار به احمد مسعود، فرزند احمد شاه مسعود در منطقه پنجشیر رخ داد که عنوان «جبهه مقاومت ملی» را برگزیده‌اند. تاجیکستان و ایران تلاش‌هایی برای میانجی‌گری میان این جبهه با طالبان داشته‌اند، به‌ویژه که از نظر نظامی، دسترسی به دره پنجشیر دشوار است و این منطقه در طول حمله شوروی و همچنین حکومت پیشین طالبان نیز اشغال نشد. با توجه به انحصارطلبی شبکه حقانی که حتی کمتر جایی برای جناح‌های رقیب در طالبان در قدرت می‌بیند، طبعاً تعاملی با جبهه مقاومت ملی نخواهد داشت و صرفاً از تسلیم آنان استقبال خواهد کرد. کاهش مقاومت نظامی جبهه مقاومت ملی در عین خروج رهبری این جبهه از افغانستان، شواهدی است که نشان از عقب‌نشینی نسبی و تلاش برای حفظ وضعیت موجود در پنجشیر دارد.

**پاکستان:** به روایت گزارش‌های مؤسسه مطالعات جنگ، اسلام‌آباد به حقانی به‌عنوان یک نیروی نیابتی برای نمایندگی از منافع خود در افغانستان نگاه می‌کند. به همین منظور، نیروهای حقانی عمدتاً به فرماندهی خلیل حقانی، برادرزاده جلال‌الدین، بارها پروژه‌های زیربنایی هند در افغانستان را طی

سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ هدف قرار داده‌اند (Sommerlad, 2021). این حملات گاه توسط شبکه حقانی و گاهی توسط لشکر طیبه با هدایت این شبکه، صورت پذیرفته است (Subramanian, 2021). پاکستان تحت فشار آمریکا در ۲۰۱۵ شبکه حقانی را یک گروه غیر قانونی اعلام کرد، ولی طبق اسناد اطلاعاتی، از حمایت از این گروه دست نکشیده است (CISAC, 2018). این حمایت‌ها پس از استقرار طالبان در کابل، مشهودتر شد. برای مثال ملا برادر یکی از گزینه‌های نخست‌وزیری طالبان بود که با ورود رئیس سازمان اطلاعاتی پاکستان به افغانستان و جلسه با رهبران طالبان، محمدحسن آخوند به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی شد (ایلنا، ۲۷ شهریور ۱۴۰۰). به نظر می‌رسد پاکستان در شرایط کنونی نیاز مبرم‌تری به شبکه حقانی برای جهت‌دهی به رفتارهای حکومت طالبان و همچنین وادارسازی دیگر بازیگران داخلی و خارجی به ملاحظه منافع اسلام‌آباد دارد. اما یک مورد اختلافی سبب می‌گردد تا پاکستان نیز نسبت به حقانی تا حدی محتاط باشد و آن ارتباط شبکه حقانی با گروه «تحریک طالبان پاکستان» است. بیت‌الله محسود، رهبر پیشین تحریک طالبان و جانشین وی، حکیم‌الله محسود، از دهه ۱۹۹۰ با جلال‌الدین حقانی مرتبط شدند و اردوگاه‌های آموزشی مشترکی برای جذب جوانان بر پا نمودند (Weinbaum, 2016: 5). چنان‌که شبکه حقانی پس از استقرار حکومت، میانجی‌گفتگوی اسلام‌آباد و تحریک طالبان شد (بی‌بی‌سی، ۱۵ آبان ۱۴۰۰) که به آتش‌بس موقت میان این گروه و دولت پاکستان منجر گردید (بی‌بی‌سی، ۱۳ خرداد ۱۴۰۱). بنابراین احتمالاً تداوم فعالیت «تحریک طالبان» درون سرزمین افغانستان، اهرم فشاری برای شبکه حقانی جهت مدیریت روابطش با اسلام‌آباد باشد. پاکستان نیز با احتیاط و تعامل، در صدد مهار «تحریک طالبان» از طریق شبکه حقانی برآید.

**عربستان و امارات:** نماینده حقانی در گفتگوهای منجر به اتحاد با طالبان، ابراهیم حقانی، برادر جلال‌الدین بود که رابط اصلی شبکه حقانی با عربستان و امارات نیز محسوب می‌شد (Dressler, 2012: 2). خلیل‌الرحمن برادر جلال‌الدین و نصیرالدین فرزند جلال‌الدین، مهم‌ترین رابط این شبکه با عربستان و امارات بوده‌اند که کمک‌های مالی ریاض و ابوظبی را دریافت می‌کردند (CISAC, 2018). مجرای رابطه حقانی با القاعده نیز به روابط با رهبران سعودی باز می‌گردد (Sommerlad, 2021). ریاض و ابوظبی تنها کشورهایی بودند که در کنار پاکستان، «امارت اسلامی افغانستان» در دهه ۱۹۹۰ را به رسمیت شناختند. پس تلاش برای حفظ وضع موجود و ارتقای تدریجی روابط با طالبان از طریق شبکه حقانی، می‌تواند هدف مطلوبی در کوتاه‌مدت و احتمالاً میان‌مدت باشد.

**ترکیه و قطر:** آنکارا و دوحه موضع نزدیک‌تری در خصوص افغانستان نسبت به دیگر کشورهای درگیر در این کشور دارند. قطر به‌عنوان میانجی مذاکرات آمریکا با طالبان، با جناح قندهار به محوریت ملا برادر که مسئولیت مذاکرات را بر عهده داشت، رابطه نزدیک‌تری دارد. در عین حال ترکیه که عمدتاً به منافع اقتصادی در افغانستان می‌نگرد، رابطه خود را با شبکه حقانی نیز بهبود بخشیده است (وفایی، اول دی ۱۴۰۰). همچنین با توجه به رابطه امنیتی و نظامی پاکستان و ترکیه، آنکارا دلیلی برای تقابل با شبکه حقانی نمی‌بیند. به نظر می‌رسد اولویت این دو کشور، حفظ موقعیتی برای تکثیر نفوذ خود در افغانستان است. در این راستا رویکردی مداراگونه و مبتنی بر ارتقای مزیت‌های نسبی اقتصادی در پیش گرفته‌اند.

**ایران:** شبکه حقانی به دلیل حملات متعدد حقانی به مناطق شیعه‌نشین غرب و جنوب غربی افغانستان مانند جاغوزی و مالستان در ولایت غزنی و همچنین به دلیل ارتباط حقانی با گروه تروریستی جیش‌العدل، تهدید جدی برای امنیت ملی ایران است. به همین دلیل ایران با ارتباط با جناح مقابل به‌خصوص عبدالقیوم ذاکر و ابراهیم صدر، دو فرمانده نزدیک به جناح قندهار، تلاش کرده از شدت اقدامات طالبان بکاهد (جیستوزی، ۲۸ شهریور ۱۴۰۰). نوع مواجهه آرام ایران با طالبان به‌روشنی گواهی بر سیاست تنش‌زدایی و پرهیز از تقابل بوده است. پراگماتیسم در سیاست‌گذاری خارجی ایران در قبال طالبان معطوف به حفظ امنیت و جلوگیری از گسترش بحران است (کریمی فرد، ۱۴۰۰: ۵۱). با توجه به خطرات تشدید تنش با طالبان در مسئله امنیت آب و تروریسم، احتمالاً رویکرد ایران نزدیکی به جناح قندهار و تلاش برای مهار رادیکالیسم نهفته در جناح حقانی از این طریق است.

**آمریکا:** به دنبال حمله به سفارت آمریکا و مقر ناتو در کابل در سال ۲۰۱۱، وزارت خارجه آمریکا در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۲، شبکه حقانی را به‌عنوان یک «سازمان تروریستی خارجی» شناسایی نمود (CISAC, 2018). در حال حاضر به زعم برخی کارشناسان غربی، تنها راه ایالات متحده و متحدانش برای مقابله با شبکه جدید حقانی، از طریق دولت‌سازی تدریجی و مواجهه چندجانبه با همکاری دیگر بازیگران است. مهم‌ترین نگرانی آمریکا نسبت به شبکه حقانی، ارتباط آن با القاعده است. سازمان ملل طی گزارشی مورخ ژوئن ۲۰۲۱، شبکه حقانی را مهم‌ترین حلقه اتصال طالبان و القاعده معرفی کرده است (Raghavan, 2021). ترور ایمن‌الظواهری، رهبر القاعده توسط پهپادهای آمریکا، در حالی که در منزل مشاور سراج‌الدین حقانی سکونت داشت، شاهد دیگری بر ارتباط این دو گروه است (شهید، ۱۱ مرداد ۱۴۰۱). گرچه این ترور، نشان داد ایالات متحده ابایی از رفتار تقابلی ندارد ولی اقدامات اخیر آمریکا

در رابطه با طالبان چه از طریق سازمان‌های بین‌المللی و چه آزادسازی بخشی از اموال، نشانگر آن است که واشینگتن رویکردی بین‌منزوی‌سازی و تعامل را در پیش گرفته و از سیاست مخالفت و «تغییر رژیم» پرهیز دارد (Dobbins, 2022: 21). در واقع، ضمن مخالفت با شبکه حقانی، ترجیح می‌دهد با کلیت طالبان به دلیل این مخالفت، درگیر نباشد و ضمن رصد و مراقبت تدریجی، از تهدیدات این شبکه و تقویت القاعده جلوگیری کند. علاوه بر اینکه به نظر می‌رسد یکی از اهداف اصلی آمریکا از خروج از افغانستان، درگیرسازی سه دولت رقیب یعنی چین، روسیه و ایران با یک منبع مدام ناآرام و آشوب در مرزهای‌شان بوده باشد. به این ترتیب، بعید است با عاملیت خود، این منبع را تضعیف و موجبات اطمینان خاطر رقبا را فراهم بیاورد.

چین: نگرانی‌های امنیتی پکن نسبت به توسعه گروه‌های تروریستی در منطقه آسیای میانه و جنوب آسیا و به‌خصوص محدوده اویغورنشین سین‌کیانگ، اهمیت بسیاری برای پیشبرد پروژه «کمربند و جاده» دارد. به همین دلیل در بیانیه گروه بریکس در ۲۰۱۷ که چین نقشی اصلی و محوری در آن دارد، نسبت به فعالیت‌های «گروه‌های طالبان، داعش، القاعده و گروه‌های وابسته به آن از جمله جنبش اسلامی ترکستان شرقی، جنبش اسلامی ازبکستان، شبکه حقانی، لشکر طیبه، جیش محمد<sup>(ص)</sup> و تحریک طالبان پاکستان» ابراز نگرانی شده است (Shahid, 2017). اما با توجه به اولویت‌های امنیتی و سپس اقتصادی چین در افغانستان، پکن پس از استقرار طالبان، از موضع‌گیری منفی نسبت به شبکه حقانی پرهیز داشته است. همچنین تحویل سفارت افغانستان در پکن به گروه طالبان و گفتگوهای مقام‌های چینی با شبکه حقانی به هدف بازگشت شرکت‌ها و کنسرسیوم‌های چینی به معادن افغانستان را می‌توان نمونه‌های تعامل پکن با این شبکه دانست (آزند، ۲۱ تیر ۱۴۰۱). چین یک سال پیش از استقرار طالبان نیز به هدف مهار گروه‌های اسلام‌گرای تکفیری، با شبکه حقانی ارتباط داشت (Mehrddad, 2021). پکن پس از استقرار طالبان نیز با برگزاری ۷۱ نشست، بیشترین جلسه گفتگو و مذاکره را در بین دولت‌های خارجی با حکومت افغانستان داشته که عمدتاً به دلیل فرصت‌های تجاری استخراج معادن و توسعه زیرساخت‌های افغانستان است (Zelin, 2022). بنابراین می‌توان گفت چین رویکرد تعاملی قوی با طالبان دارد. در عین حال با توجه به نگرانی نسبت به گروه‌های اسلام‌گرا در مرزهای شرقی افغانستان، موضع پکن نسبت به حقانی تا حدی مبهم باقی مانده است.

روسیه: دولت روسیه نگرانی‌های امنیتی نسبت به رشد داعش، جنبش اسلامی ترکستان و جماعت انصارالله تاجیکستان در مناطق آسیای میانه و قفقاز و همچنین مناطق مسلمان‌نشین چین و داغستان دارد. دولت پوتین در مارس ۲۰۰۰ طالبان را به آموزش تروریست‌های چینی متهم نمود و به تبع آن، دادگاه عالی روسیه در ۲۰۰۳ طالبان را به‌عنوان یک سازمان تروریستی شناسایی کرد. اما اکنون روسیه ضمن حذف طالبان از فهرست سازمان‌های تروریستی، سفارت افغانستان در مسکو را به این گروه تحویل داده است. در عین حال شایعاتی مبنی بر کمک تسلیحاتی مسکو به «جبهه مقاومت ملی» نیز وجود دارد (Murtazashvili, 2022). مسکو عمدتاً سعی کرده با جناح قندهار به رهبری ملا برادر ارتباط بگیرد (Giustozzi, 2021). گرچه ایالات متحده مدعی است که روسیه برای قتل سربازان آمریکا در افغانستان، از حقانی حمایت کرده است (Ariana News, 2020). موارد مذکور نشانگر ابهام راهبردی روسیه نسبت به نحوه مواجهه با طالبان و به تبع شبکه حقانی است.

در این مرحله برای ارزیابی اثرگذاری بازیگران مذکور بر نقش‌آفرینی شبکه حقانی، از روش دلفی به جمعی از نخبگان و کارشناسان حوزه سیاست خارجی ایران رجوع شده است. این افراد از فارغ‌التحصیلان و یا دانشجویان مقطع دکتری رشته‌های روابط بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای (گرایش خاورمیانه)، علوم سیاسی و سیاست‌گذاری عمومی بوده‌اند که در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، امام حسین (ع)، دفاع ملی و آزاد مرکزی تحصیل نموده‌اند و در مراکز پژوهشی و یا نهادهای مرتبط مانند سپاه پاسداران و وزارت خارجه به خدمت مشغول می‌باشند. در وهله اول بر مبنای شناسایی اهمیت و قطعیت بازیگران در یک پژوهش آینده پژوهانه، از افراد خواسته شده تا اهمیت آن بازیگر یا به تعبیری، برآوردی از میزان تأثیر بازیگر بر رفتار شبکه حقانی و همچنین قطعیت موضع آن بازیگر (اعم از موضع موافق یا مخالف) نسبت به این گروه را در طیفی از ۱ تا ۱۰ مورد سنجش قرار دهد. به این ترتیب که از ۱ تا ۳ کم اهمیت، از ۴ تا ۶ دارای اهمیت نسبی و از ۷ تا ۱۰ با اهمیت بالا محسوب می‌شوند، که نتایج میانگین نظرات کارشناسان به شرح زیر است؛

جدول ۱ اهمیت و قطعیت موضع بازیگران نسبت به شبکه حقانی

بازیگر	اهمیت	قطعیت
جناح قندهار	۹	۴
احزاب سیاسی	۲	۷
جبهه مقاومت ملی	۱	۲
پاکستان	۱۰	۹
عربستان و امارات	۵	۵
ترکیه و قطر	۶	۵
ایران	۶	۸
آمریکا	۷	۶
چین	۸	۲
روسیه	۷	۳

در این گام، ابتدا بازیگرانی که اهمیت بالا دارند، در یک غربالگری به‌عنوان بازیگران مؤثر شناسایی می‌شوند تا بررسی پیرامون بازیگران اصلی به انجام برسد. سپس میان این پنج بازیگر یعنی جناح قندهار، پاکستان، آمریکا، چین و روسیه، مواردی که قطعیت کمتری دارند و یا به تعبیری آینده پژوهانه، عدم قطعیت بیشتری دارند به‌عنوان بازیگرانی با کنش‌های متعدد شناسایی می‌شوند. با توجه به موضع حمایت‌آمیز پاکستان و موضع مخالفت‌آمیز آمریکا، سه بازیگر اصلی یعنی جناح قندهار، روسیه و چین، مواردی هستند که نوع کنش‌ورزی متفاوتی می‌توانند اتخاذ کنند.

۱- جناح قندهار: موضع تعامل و سازگاری و یا موضع رقابت با شبکه حقانی

۲- چین: موضع حمایت و یا موضع تضعیف شبکه حقانی

۳- روسیه: موضع حمایت و یا موضع تضعیف شبکه حقانی

سپس در ماتریس نرم‌افزار سناریو ویزارد، تأثیر متقابل هر یک از این حالات بر حالات و یا کنش‌های دیگر بازیگران مورد ارزیابی کارشناسان قرار گرفته است. معنای نمرات اخذ شده از کارشناسان در ماتریس تأثیر متقابل به آن معناست که اتخاذ یک سیاست از سوی یکی از این سه بازیگر، چه تأثیری بر اتخاذ سیاست دیگر از سوی بازیگر دیگر خواهد گذاشت. برای مثال در اولین ماتریس که تأثیر سیاست جناح قندهار بر موضع چین نسبت به شبکه حقانی است، اگر جناح قندهار سیاست تعامل با شبکه حقانی را برگزیند، سیاست حمایت چین از سوی حقانی اندکی تقویت می‌شود و سیاست تضعیف



حقانی توسط چین، اندکی به حاشیه می‌رود. ولی اگر این جناح سیاست رقابت با حقانی را برگزیند، سیاست تقویت حقانی توسط چین، به طور متوسط و بیش از پیش، خدشه‌دار شده و سیاست تضعیف حقانی را بیش از قبل، برای پکن ارزشمند می‌سازد. و یا در مورد دیگر، اتخاذ سیاست تضعیف حقانی توسط چین و روسیه، جناح قندهار را به شدت به سوی رقابت با این شبکه، ترغیب خواهد کرد. این مسئله نشان از وابستگی سیاست داخلی افغانستان به حمایت‌ها یا رقابت‌های خارجی به دلیل نیازمندی‌های اقتصادی و همچنین بی‌ثباتی‌های سیاسی و امنیتی است.

شکل ۱ میانگین نظرات کارشناسان در ماتریس تأثیر متقابل سناریو ویزارد

Somewhere...	G G	C C	R R
	P C	P W	P W
<b>Ghandehar:</b>			
Pliability		1 -1	1 -2
Competition		-2 2	-2 1
<b>China:</b>			
Protection	3 0		1 -1
Weakening	-2 3		-2 2
<b>Russian:</b>			
Protection	1 0	1 -1	
Weakening	-2 3	-1 2	

شکل ۲ نتایج ارزیابی سناریوها توسط سناریو ویزارد

```

Consistent scenarios of CI matrix SomewhereLand_en.scw:
Strong consistency

=====
Scenario No. 1
Consistency value : 4
Total impact score: 8
-----
Ghandehar: Pliability
Chine : Protection
Russian : Protection

=====
Scenario No. 2
Consistency value : 7
Total impact score: 13
-----
Ghandehar: Competition
Chine : Weakening
Russian : Weakening
    
```

نتایج نظرات کارشناسان، دو سناریوی سازگار را ارائه می‌دهد.

هر سناریو با دو شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. شاخص اول امتیاز تأثیر کل<sup>۱</sup> و شاخص دیگر سازگاری سناریو<sup>۲</sup>. امتیاز تأثیر کل بیانگر تعداد روابط بین زیرمولفه‌ها و میزان تأثیر آنها در ایجاد سناریو است. این امتیاز از جمع اعداد نشانگر تأثیر متقابل آن متغیر بر دیگر متغیرها حاصل می‌شود. برای مثال، انتخاب سیاست سازش از سوی جناح قندهار بر اتخاذ سیاست حمایت حقانی توسط چین، تأثیر بسیار فزاینده یا ۳ و بر انتخاب سیاست حمایت حقانی توسط روسیه تأثیر اندکی فزاینده یا ۱ می‌نهد که جمع این دو، ۴ می‌شود. پس امتیاز تأثیر جناح قندهار در این سناریو، ۴ است. مجموع امتیاز تأثیر حالات انتخابی هر یک از بازیگران در یک سناریو، امتیاز تأثیر کل آن سناریو را تشکیل می‌دهد که فرمول آن به این ترتیب است که در آن  $x_j^i$  به معنای امتیاز تأثیر حالت  $j$  از بازیگر  $i$  است.

$$Impact\ Score = \sum_{i=1}^n x_j^i$$

در سناریوی اول که آن را «تداوم قدرت» شبکه حقانی می‌نامیم، جناح قندهار سیاست تعامل را بر می‌گزیند و چین و روسیه نیز در صدد حمایت از شبکه حقانی بر می‌آیند. تصویر امتیاز تأثیر هر حالت هر بازیگر در این سناریو به شکل زیر است؛

شکل ۳ نتایج تأثیر متقابل سناریوی «تداوم قدرت» حقانی

<b>Selection:</b>	<b>x</b>			<b>x</b>			<b>x</b>		
	<b>G</b>	<b>G</b>		<b>C</b>	<b>C</b>		<b>R</b>	<b>R</b>	
	<b>P</b>	<b>C</b>		<b>P</b>	<b>W</b>		<b>P</b>	<b>W</b>	
<b>Balance:</b>	<b>4</b>	<b>0</b>		<b>2</b>	<b>-2</b>		<b>2</b>	<b>-3</b>	
<b>Gandehar:</b>									
<b>Pliability</b>				<b>1</b>	<b>-1</b>		<b>1</b>	<b>-2</b>	
<b>Competition</b>				<b>-2</b>	<b>2</b>		<b>-2</b>	<b>1</b>	
<b>Chine:</b>									
<b>Protection</b>	<b>3</b>	<b>0</b>					<b>1</b>	<b>-1</b>	
<b>Weakening</b>	<b>-2</b>	<b>3</b>					<b>-2</b>	<b>2</b>	
<b>Russia:</b>									
<b>Protection</b>	<b>1</b>	<b>0</b>		<b>1</b>	<b>-1</b>				
<b>Weakening</b>	<b>-2</b>	<b>3</b>		<b>-1</b>	<b>2</b>				

<sup>۱</sup> Total impact score  
<sup>۲</sup> Consistency value

مطابق فرمول مذکور، امتیاز تأثیر کل این سناریو از مجموع امتیاز تأثیر حالت سازگاری قندهار (۴)، حالت حمایت چین (۲) و حالت حمایت روسیه (۲) حاصل می‌شود که در سطر توازن دیده می‌شوند. در نتیجه امتیاز تأثیر کل سناریوی «تداوم قدرت» حقانی، ۸ است.

$$\sum_{i=1}^3 x_i^j = IC_G^P + IC_C^P + IC_R^P = 4 + 2 + 2 = 8$$

درباره شاخص سازگاری سناریو نیز باید گفت که این شاخص نشان می‌دهد مسیرها و تصاویر آینده در یک سناریو چه میزان با هم مطابقت دارند. یعنی ابعاد آنها نباید با یکدیگر تناقضی داشته باشد یا یکی از این مسیرها نباید منطق دیگری را رد کند. سازگاری و معقولیت و امکان‌پذیری، برای ارزیابی اعتبار سناریوهای مختلف، معیار مهمی است. سازگاری یک سناریو، میانگین عدد سازگاری حالت انتخابی آن بازیگر در آن سناریو می‌باشد. عدد سازگاری حالت هر یک از بازیگران نیز عبارت از اختلاف عدد امتیاز تأثیر آن حالت و امتیاز تأثیر حالت آلترناتیو آن حاصل می‌شود. برای مثال در سناریوی «تداوم قدرت» امتیاز تأثیر حالت «تعامل» جناح قندهار ۴ و امتیاز تأثیر حالت آلترناتیو که «رقابت» است، صفر می‌باشد که اختلاف این دو عدد ۴ می‌شود. پس فرمول عدد سازگاری یک سناریو به این ترتیب است که در آن  $IC_i^A$  به معنای حالت امتیاز تأثیر حالت آلترناتیو  $i$  در آن سناریو می‌باشد.

$$\text{Consistency Value} = \frac{\sum_{i=1}^n (IC_i^j - IC_i^A)}{n}$$

پس طبق نتایجی که در شکل شماره ۳ نشان داده شده، درجه سازگاری سناریوی «تداوم قدرت» به این ترتیب محاسبه می‌شود:

$$\frac{\sum_{i=1}^3 (IC_G^P - IC_G^C) + (IC_C^P - IC_C^W) + (IC_R^P - IC_R^W)}{3} = \frac{(4 - 0) + (2 - (-2)) + (2 - (-3))}{3} = 4$$

در نتیجه چنانچه در شکل شماره ۲ نشان داده شده، درجه سازگاری این سناریو برابر ۴ خواهد شد. در سناریوی دوم که آن را «تضعیف موقعیت» می‌نامیم، جناح قندهار در صدد رقابت و چین و روسیه نیز در صدد تضعیف شبکه حقانی می‌باشند. تصویر شماره ۴، اعداد امتیاز تأثیر حالات هر یک از بازیگران در این سناریوها را نشان می‌دهد.

شکل ۴ نتایج تأثیر متقابل سناریوی «تضعیف موقعیت» حقانی

<b>Selection:</b>		x		x		x
	G	G	C	C	R	R
	P	C	P	W	P	W
<b>Balance:</b>	-4	6	-3	4	-4	3
<b>Gandehar:</b>						
Pliability			1	-1	1	-2
Competition			-2	2	-2	1
<b>Chine:</b>						
Protection	3	0			1	-1
Weakening	-2	3			-2	2
<b>Russia:</b>						
Protection	1	0	1	-1		
Weakening	-2	3	-1	2		

پس امتیاز تأثیر کل این سناریو برابر حاصل جمع امتیاز تأثیر حالت رقابت از سوی جناح قندهار (۶)، حالت تضعیف از سوی چین (۴) و حالت تضعیف از سوی روسیه (۳) می‌باشد که در سطر توازن قابل مشاهده هستند. مجموع این اعداد یعنی ۱۳ امتیاز تأثیر کل این سناریو می‌باشد. همچنین درجه سازگاری آن نیز برابر میانگین عدد سازگاری هر یک از حالات یعنی به ترتیب جناح قندهار (۱۰)، چین (۷) و روسیه (۷) می‌شود که میانگین این سه نیز چنان‌که در تصویر شماره ۲ نشان داده شده، ۸ می‌باشد. این دو سناریو، سازگار و منطبق با شناخت پیشینی از اهداف و منافع این بازیگران است. در عین حال که سناریوی سازگارتر به آن معناست که با منافع بازیگران هم‌خوانی بیشتری دارد. در راستای تبیین همین مسئله، روایت این دو سناریو را می‌توان به این شرح بیان داشت:

#### سناریوی اول: تضعیف موقعیت

سناریویی که درجه سازگاری آن، بر حسب نمرات اخذ شده از نخبگان، بیشتر بوده، چنین حالتی است زیرا طبق نظرات کارشناسان، هر سه بازیگر مؤثر و مهم در این ارزیابی، از افزایش قدرت شبکه حقانی احساس خطر می‌کنند و اراده آن را دارند که مانع از هژمونی این شبکه بر «امارت اسلامی افغانستان» شوند. جناح قندهار به دلیل تلاش برای جلب مشروعیت بین‌المللی و کسب روابط مساعدتر با همسایگان و قدرت‌های بزرگ، نیازمند آن است که چهره متعادل‌تری از حکومت طالبان به نمایش بگذارد. علاوه بر اینکه صلاح نمی‌بیند طالبان در مقام حکومت همچنان متهم به حمایت از گروه‌های تکفیری مانند القاعده باشد. چین و روسیه نیز هم بر مبنای اهداف امنیتی و منافع ملی خود و هم بر

اساس منافع چندجانبه با هند، ایران، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان، تمایلی به قدرت‌گیری شبکه حقانی و احتمال تسری تروریسم به مرزهای افغانستان ندارند. بنابراین هر سه بازیگر ترجیح می‌دهند از گسترش قدرت حقانی جلوگیری کنند. سازگاری این سناریو در حالی است که جناح قندهار در صدد رقابت با شبکه حقانی برآید و چین و روسیه نیز در این مسیر با اهرم‌های فشار اقتصادی و امنیتی که در اختیار دارند، به این جناح کمک کرده و موقعیت شبکه حقانی را بیش از پیش تضعیف نمایند.

### سناریوی دوم: تداوم قدرت

در این حالت، جناح قندهار از دریچه تعامل به شبکه حقانی می‌نگرد و دولت‌های چین و روسیه نیز از قدرت‌گیری این شبکه در افغانستان و توسعه نفوذ آن، حمایت به عمل می‌آورند. این حالتی است که کمابیش در شرایط کنونی تداوم دارد و به نظر می‌رسد اگر در وهله اول از روی اجبار و ناشی از نگرانی نسبت به تشدید تنش با این شبکه باشد، در گام‌های بعدی و در صورت اثرگذاری بر رفتار این شبکه، می‌تواند انتخابی مطلوب تلقی شود. اعطای مسئولیت وزارت داخله به سراج‌الدین حقانی برای حفظ امنیت افغانستان می‌تواند دلیلی باشد که جناح قندهار خواسته تا با ادغام حقانی در مسئولیت‌های امنیتی، زمینه کاهش انگیزه حقانی برای ارتباط با گروه‌های تروریستی و همچنین تعامل بازیگران خارجی به‌خصوص پکن و مسکو با شبکه حقانی به هدف مهار گروه‌های اسلام‌گرای تکفیری در آسیای میانه و همچنین پاکستان را تسهیل کند. در صورتی که حقانی به این نتیجه برسد که از مسیر تعامل با این بازیگران، بدون عدول از آرمان‌های خود در حوزه تشکیل حکومت اسلامی و بدون نگرانی نسبت به نوع برخوردش با گروه‌ها و اقشار داخلی و اتهام‌های حقوق بشری، از مشروعیت و همچنین منابع مالی بهره‌مند خواهد شد، این تعامل می‌تواند نتیجه‌بخش باشد.

### نتیجه

طالبان به‌عنوان قدرت مستقر، تا حدی تثبیت شده و مخالفان ضعیف، پراکنده و واگرای آن نیز توانی برای براندازی آن ندارند. در این شرایط، به نظر می‌رسد عمده‌ترین بازیگران مؤثر بر طالبان، بازیگران خارجی باشند که با توجه به فقدان یک بازیگر تعیین‌کننده، نفوذ خارجی بر طالبان نیز تقسیم‌شده خواهد بود و رفتار خارجی طالبان، برآیندی از اراده‌های متعدد و متکثر خارجی است. مطابق فرضیه مسئله، بازیگران مؤثری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند ترجیح دارند از منظر رئالیسم تدافعی به موقعیت شبکه حقانی بنگرند و سعی نمایند که از گسترش قدرت این گروه در مجموعه طالبان و

گستره سرزمینی افغانستان جلوگیری کنند. اینکه چنین رویکردی بتواند به یک تعامل پایدار منجر شود به چگونگی مواجهه شبکه حقانی با مسائل اساسی این بازیگران به ویژه امنیت مرزی و تروریسم باز می‌گردد. در تبیین این موضوع می‌توان گفت شبکه حقانی گرچه به‌مثابه زائده‌ای به گروه طالبان افزوده شد، اما توانسته از منظر ایدئولوژیک، نظامی و مالی، هژمونی قوی و قابل توجهی در این گروه بیابد. حمایت‌های پاکستان از این شبکه برای تعمیق نفوذ در افغانستان، سبب شد تا سیطره بیشتری بر طالبان بیابد. گرچه طبق میانگین نظرات اخذ شده از کارشناسان، به نظر می‌رسد سه بازیگری که موضع‌شان نسبت به حقانی از قطعیت کمتری برخوردار است، تمایل به کاهش نفوذ آن داشته باشند، ولی نوع مواجهه شبکه حقانی با این سه می‌تواند طیفی از گزینه‌ها در میان تقابل تا تعامل را بیافریند که انتخاب‌های بیشتری به این سه بازیگر مؤثر بدهد و اراده آنها از کاهش نفوذ را به پذیرش قدرت و سپس نوعی تعامل پایدار سوق دهد. این بستگی به انعطاف‌پذیری شبکه حقانی دارد که بتواند با مدیریت روابطش با دیگر گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی در افغانستان از جمله القاعده و «تحریک طالبان» نظم امنیتی مطلوب چین و روسیه را لحاظ نموده و بتواند موقعیت بهتری برای یک تعامل پایدار بیافریند. از سوی دیگر افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و جلب کمک‌های مالی از سوی چین و برخی دیگر از قدرت‌های منطقه‌ای مانند پاکستان نیز نیازمند نوعی انسجام داخلی در ساختار هیأت حاکمه افغانستان است که به نظر می‌رسد می‌تواند موجب تعامل دو جناح قندهار و حقانی گردد. به‌ویژه که طالبان هنوز نتوانسته همه مخالفانش را به طور کامل منکوب کند و برای مقابله با آنها به اتحاد درونی نیاز دارد. به‌خصوص که احتمالاً جناح قندهار ترجیح خواهد داد نیروهای بنیادگرا را درون این شبکه حفظ کند تا اینکه تشدید تنش با حقانی، موجب گرایش اعضای این شبکه به دیگر گروه‌های تکفیری مانند القاعده و داعش شود. در عین حال با توجه به کاریزمای افراد و فردمحوری جناح‌ها، هر گونه رخداد حذفی علیه رهبران طالبان می‌تواند یک شگفتی‌ساز در فرایند آینده پژوهانه این گروه و بالتبع افغانستان باشد و سرنوشت این کشور تحت سلطه طالبان را تا حدی تغییر دهد. به نظر می‌رسد سیاست «صبر و انتظار» محتمل‌ترین سیاست از سوی این سه بازیگر نسبت به شبکه حقانی باشد که به مرور با توجه به توان و اراده مسکو و پکن نسبت به وضعیت امنیتی افغانستان و تبعات تقابل آمریکا با این دو قدرت، میزان نفوذ آنان در افغانستان و یارگیری آنان از وضعیت ژئوپلیتیک این کشور برای مقابله با نفوذ آمریکا را تعیین خواهد کرد. واشینگتن نیز با بهره‌گیری از نفوذش در آسیای مرکزی و پاکستان در صدد کنترل رفتار طالبان و تنظیم روابطش با پکن و مسکو بر خواهد آمد تا این وضعیت ژئوپلیتیک را در اختیار



رقبای خود رها نکند. در مجموع، محدودیت‌های آمریکا به دلیل اصرار بر سوگیری‌های ارزشی مانند بحث حقوق بشر، بیش از دو قدرت دیگر است ولی نمی‌توان از احتمال اعمال اراده آمریکا به طور غیر مستقیم از طریق قطر و ترکیه چشم پوشید، به خصوص که در دولت بایدن، قطر جایگاه مهم‌تری در سیاست منطقه‌ای آمریکا یافته و میانجی اصلی طالبان و واشینگتن بوده است.

برای ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین همسایگان افغانستان، ضروری است که بتواند اهرم‌های فشار خود بر طالبان را حفظ و تقویت نماید. ایران مدت‌ها قبل از خروج آمریکا از افغانستان، گفتگو با نمایندگان طالبان را آغاز کرده بود تا با رویکرد مسالمت‌آمیز، امنیت ملی خود را تأمین نماید. اما ایران و طالبان همچنان در موضوعات مختلف اعم از ترکیب دولت، حقوق شیعیان افغانستان، حق‌آبه هیرمند، امنیت مرزها و مسئله مهاجران، دچار اختلاف هستند. گویا ایران، اقتضای تعامل با طالبان را محدودسازی روابط تهران با دیگر بازیگران داخلی افغانستان قلمداد کرده است. مسئولان دیپلماتیک ایران صرفاً دیدارهای معدودی با حامد کرزی و عبدالله عبدالله داشته‌اند و سعی نکرده‌اند از روابط خود با گروه‌هایی نظیر «جمعیت اسلامی» و «جبهه ملی مقاومت» به‌عنوان اهرم فشار بهره‌مند شود. عدم تلفیق هوشمندانه و کاربرد توأمان ابزارهای سخت، نیمه‌سخت و نرم را می‌توان نقضی برای سیاست ایران در قبال طالبان دانست. اقدامات پیش‌دستانه نظامی در مرزها، تهدید و یا اعمال مجازات‌های اقتصادی و همچنین تلاش برای بهره‌مندی از ظرفیت مهاجران افغانستانی داخل ایران از جمله گزینه‌ها در این خصوص است. اهمیت افغانستان برای امنیت ملی ایران - جز اینکه از بابت همسایگی و مسائل مرتبط با آن می‌باشد - می‌بایست از منظر رقابت قدرت‌های بزرگ نیز نگریسته شود. در راستای ارزیابی و تدوین یک سیاست جامع در قبال افغانستان لازم است نقش و تأثیر تحولات این کشور بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل و امنیت منطقه‌ای به طور کامل مورد ارزیابی قرار بگیرد. در همین راستا به نظر نمی‌رسد یک اقدام جدی درباره افغانستان، بدون جلب نظر مساعد چین و روسیه و بدون همراهی پاکستان، عملیاتی باشد و لازم است تهران تعامل قوی‌تری در حوزه افغانستان با این سه دولت داشته باشد.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- ۱- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره اول، صص ۱۵۳-۱۱۳.
- ۲- دوورژه، موریس (۱۳۶۹)، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- ۳- رهبر، فرهاد؛ امیرعلی سیف‌الدین اصل؛ محمدعلی شاه‌حسینی و عیسی نیازی (۱۳۹۷)، «طراحی مدلی برای سناریونگاری بر اساس شناسایی عوامل کلیدی و تجزیه و تحلیل فعل و انفعالات بازیگران کلیدی»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی، شماره ۳۹، صص ۶۱-۹۰.
- ۴- زالی، نادر (۱۳۹۰)، «آینده‌نگاری راهبردی و سیاست‌گذاری منطقه‌ای با رویکرد سناریونویسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴، صص ۳۳-۵۴.
- ۵- شفیع، نوذر (۱۴۰۱)، «مسئله‌ها و روندهای استراتژیک در افغانستان»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۱۰، صص ۹۸-۱۱۰.
- ۶- کریمی‌فرد، حسین (۱۴۰۰)، «تبین سیاست خارجی ایران در قبال طالبان»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۰۵، صص ۴۱-۶۰.
- ۷- مورگنتا، هانس (۱۳۷۹)، سیاست میان‌ملت‌ها تلاش در راه قدرت و صلح، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.

### منابع اینترنتی

- ۱- افراخته، حسین (۱۴۰۰)، آینده افغانستان با تأکید بر نقش شبکه حقانی، اندیشکده راهبردی تبیین، قابل دسترسی در: <http://tabyincenter.ir/44418>
- ۲- ایلنا (۱۴۰۰)، نقش پاکستان در ایجاد اختلاف میان طالبان و حقانی، قابل دسترسی در: <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1132164>
- ۳- آژند، فریدون (۱۴۰۱)، شبکه حقانی روی معادن افغانستان چنبره زده است، ایندپندنت فارسی، قابل دسترسی در: <https://www.independentpersian.com/node/252906>
- ۴- بی‌بی‌سی فارسی (۱۳۸۸)، فهرست کامل احزاب سیاسی افغانستان، قابل دسترسی در: [https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2009/07/090718\\_a-af-election-political-parties](https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2009/07/090718_a-af-election-political-parties)
- ۵- بی‌بی‌سی فارسی (۱۴۰۰)، میانجیگری سراج‌الدین حقانی میان دولت و طالبان پاکستانی، قابل دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-59185597>
- ۶- بی‌بی‌سی فارسی (۱۴۰۱)، تحریک طالبان پاکستانی آتش‌بس با دولت پاکستان اعلام کرد، قابل دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-61681514>
- ۷- جیستوزی، آنتونیو (۱۴۰۰)، ایران اخیراً کمک زیادی به پیشروی طالبان کرد ولی نگران قدرت شبکه حقانی است، قابل دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-58615439>
- ۸- شفق، موسی (۱۴۰۰)، خطر زوال احزاب سیاسی در افغانستان، قابل دسترسی در: <https://www.etilaatroz.com/122420/danger-of-decline-of-political-parties-in-afghanistan/>
- ۹- شهید، انیسه؛ ۱۱ مرداد ۱۴۰۱؛ «ایمن‌الظواهری که بود»؛ قابل دسترسی در: <https://www.independentpersian.com/node/257811/>
- ۱۰- مفتون، خالد (۱۴۰۰)، آیا حلقه رهبری طالبان دچار اختلاف شده است، صدای آمریکا، قابل دسترسی در: <https://www.darivoo.com/a/is-friction-among-taliban-real/6230787.html>

۱۱- وفایی، مختار (۱۴۰۰)، گروهی از بازرگانان ترک با رییس شبکه حقانی دیدار کردند، قابل دسترسی در: <https://www.independentpersian.com/node/201966>

۱۲- وفایی، مختار (۱۴۰۱)، تقابل طالبان و حکمتیار در مورد آموزش و پوشش زنان در افغانستان، قابل دسترسی در: <https://www.independentpersian.com/node/243641>

### منابع غیر فارسی

- ۱- Ariana News, 2020, Russia in contact with Taliban, Haqqani network: US, Accessed Available in: <https://www.ariananews.af/russia-in-contact-with-taliban-haqqani-network-us/>
- ۲- CISAC, 2018, Haqqani Network, Center for International Security and Cooperation (CISAC), Accessed Available in: <https://cisac.fsi.stanford.edu/mappingmilitants/profiles/haqqani-network/>
- ۳- Dobbins. James, Radin. Andrew, Miller. Rauler, May 2022, "American Policy Toward the Islamic Emirate of Afghanistan", RAND Corporation.
- ۴- Dressler. Jeffrey, 2010, the haqqani network from Pakistan to Afghanistan, Institute for the study of war, New York.
- ۵- Dressler. Jeffrey, 2012, The Haqqani Network: A Foreign Terrorist Organization, Institute for the study of war, New York.
- ۶- Gentry. John A, 2015, "Toward a Theory of Non-State Actors' Intelligence", Intelligence and National Security.
- ۷- Giustozzi. Antonio, 2021, Russia and Iran: Disappointed Friends of the Taliban? Accessed Available in: <https://www.rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/russia-and-iran-disappointed-friends-taliban>
- ۸- Mehrdad. Ezatullah, 2021, Did China Build a Spy Network in Kabul? Accessed Available in: <https://thediplomat.com/2021/02/did-china-build-a-spy-network-in-kabul/>
- ۹- Murtazashvili. Jennifer Brick, 2022, Where Russia's Afghanistan Policy Went Wrong, Accessed Available in: <https://nationalinterest.org/feature/where-russia%E2%80%99s-afghanistan-policy-went-wrong-203566>
- ۱۰- Pierman. Garrett, 2015, "The Grand Strategy of Non-State Actors: Theory and Implications", Journal of Strategic Security, Volume 8, No. 4.
- ۱۱- Raghavan. Sudarsan, 2021, The U.S. branded the Haqqanis terrorists and issued \$5 million bounties. Now they're in power in the Taliban government, Accessed Available in: [https://www.washingtonpost.com/world/asia\\_pacific/haqqanis-afghanistan-taliban/2021/09/10/71f82620-123b-11ec-baca-86b144fc8a2d\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/world/asia_pacific/haqqanis-afghanistan-taliban/2021/09/10/71f82620-123b-11ec-baca-86b144fc8a2d_story.html)
- ۱۲- Shahid. Kunwar, 2017, Pakistan's Bad Reaction to the BRICS Declaration, Accessed Available in: <https://thediplomat.com/2017/09/pakistans-bad-reaction-to-the-brics-declaration/>
- ۱۳- Skorka. Melissa, 2021, The Haqqanis Are the New Global Terror Threat, Accessed Available in: <https://www.wsj.com/articles/haqqani-network-taliban-success-terrorism-security-11632671942/>
- ۱۴- Sommerlad. Joe, 2021, What is the Haqqani network linked to the Taliban and al-Qaeda? Accessed Available in: <https://www.independent.co.uk/asia/south-asia/haqqani-network-afghanistan-taliban-husain-haqqani-b1915556.html>
- ۱۵- Subramanian. Nirupama, 2021, Who are the Haqqani Network, the most powerful group in Taliban Government? Accessed Available in: <https://indianexpress.com/article/explained/explained-who-are-the-haqqani-network-the-most-powerful-group-in-the-taliban-government-7497369/>
- ۱۶- Waltz. Kennet, Theory of International Politics, New York: Random House.

- ١٧- Weinbaum. Marvin, Babbar. Meher, September 2016, “The Tenacious, Toxic Haqqani Network”, Middle East Institute.
- ١٨- Zeidan. Adam, 2021, Haqqani network Pashtun militant organizationprint, Accessed Available in: <https://www.britannica.com/topic/Haqqani-network>
- ١٩- Zelin. Aaron, 2022, Looking for Legitimacy: Taliban Diplomacy Since the Fall of Kabul, Accessed Available in: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/looking-legitimacy-taliban-diplomacy-fall-kabul>

